



مشرف در انتظار دور جدید بازی

یاشار امینی



پاکستان؛ آتش زیر خاکستر

بدی برخوردار است. این در شرایطی است که بودجه ارتش ۲۰ درصد از کل بودجه کشور را به خود اختصاص داده و به بهداشت و توسعه کشور نیز توجه زیادی نمی‌شود. در بعضی از زمینه‌ها از قبیل مبارزه با بی‌سوادی، توسعه مدارس و مقدار واکسن مورد نیاز سهل‌انگاری‌هایی وجود دارد که در مناطق روستایی بیشتر به چشم می‌خورد. در حال حاضر قدرت در اسلام‌آباد در اختیار تکنوکرات‌ها، نظامیان و اشراف پاکستانی است که با مردم عادی فاصله زیادی دارند. تحلیلگران بر این باورند که پاکستان نیازمند رهبری مدنی با دولتی دموکرات است، نه یک ژنرال که تنها با روش‌های خشن و نظامی در صدد حل بحران‌های این کشور و سرکوب تندروها باشد. مشرف که تنها رییس جمهوری پاکستان است که با بحران‌ها و ترورهای زیادی مواجه بوده، از یک سو در تلاش است چهره خود در داخل پاکستان را که حتی در میان بسیاری از مردم عادی نیز مخدوش شده، ترمیم کند و از سوی دیگر به غرب به ویژه آمریکا نشان دهد که بر ضد افراط‌گرایی، محکم و استوار ایستاده است. برخی کارشناسان نیز اعلام کرده‌اند که حکومت‌داری در پاکستان روش‌های خاص خود را می‌طلبد و روشی که مشرف در پیش گرفته، این کشور را در مسیر خطرناکی قرار داده است. به گونه‌ای که پاکستان شاهد بدترین بحران،

با وقوع حوادث مسجد لعل، حیات سیاسی پاکستان وارد فاز جدیدی از بحران شده است. حوادث مسجد لعل در شرایطی به وقوع پیوست که حیات سیاسی این کشور هنوز از التهاب ناشی از اعتراضات فزاینده مردم به جهت برکناری "افتخار محمد چودری" رییس دیوان عالی پاکستان توسط مشرف رنج می‌برد. شواهد نشانگر آن است که سال ۲۰۰۷ برای پاکستان سال بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود زیرا در این سال، انتخابات ریاست جمهوری و مجالس در شرایطی برگزار خواهد شد که مشکلاتی ناشی از بحران اجتماعی و ناپایداری منطقه‌ای به چشم می‌خورد که باید مخالفت‌های سیاسی داخلی تعدادی از احزاب پاکستانی را نیز به آن افزود. دوران ریاست جمهوری پرویز مشرف و دوران نمایندگان مجلس ایالتی و مجلس ملی پاکستان در پاییز امسال به پایان می‌رسد ولی مشکل اساسی که از مدت‌ها قبل در محافل سیاسی این کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته وجود ارتش در کنار قدرت است. این در حالی است که مشکلات اقتصادی و وضع موجود پاکستان با جمعیت یکصد و شصت میلیونی نگران‌کننده است. طبق گزارش‌های منتشره، مسایل اجتماعی در این کشور به دست فراموشی سپرده شده و آموزش عمومی هم از موقعیت بسیار

تحولات داخلی پاکستان طی ماه گذشته، در صدر اخبار و گزارش‌های بین‌المللی قرار داشت. رسانه‌های جهانی در گزارش‌های خود در خصوص حوادث "مسجد لعل" بارها به صراحت تاکید کردند که ژنرال "پرویز مشرف" رییس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح پاکستان با صدور دستور حمله به مسجد لعل وارد بازی جدید و خطرناکی شده که همان بازی با آتش است. هر چند که به دنبال حمله نیروهای امنیتی پاکستان به مسجد لعل ده‌ها تن از تحصن‌کنندگان در آن که از تندروهای مذهبی بودند، کشته و ده‌ها تن دیگر نیز تسلیم شدند و حتی از دو رهبر این جماعت به نام‌های "مولانا عبدالعزیز غازی" و "مولانا عبدالرشید غازی" که دو برادر بودند یکی دستگیر و دیگری کشته شد، ولی بنا بر اظهارات بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی، پایان بحران مسجد لعل به معنای پایان بحران تندروهای پاکستان برای پیاده کردن شریعت اسلام و برچیدن نظام لائیک نیست. بنابر تحلیل‌های موجود چه بسا حمله به مسجد لعل می‌تواند موجب خشم بیشتر تندروها شده و در آینده‌ای نه چندان دور، آنها دور جدیدی از بازی را شروع کنند که آتش آن نه تنها دولت و کل جامعه پاکستان، بلکه تمام منطقه خاورمیانه و جنوب شرق آسیا را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.

از زمان جدایی بنگلادش از آن در سال ۱۹۷۱ بوده است.

عواقب و نتایج بحران: روزهای سخت در انتظار ژنرال

دستور مشرف برای حمله به مسجد لعل می‌توان با دستور "ایندیرا گاندی" نخست وزیر پیشین هند برای اقدامی مشابه مقایسه کرد که موجب نابودی وی شد. گاندی در سال ۱۹۸۴ دستور حمله به یک معبد در منطقه "آمریتسار" را که تندروها به آن جا رفت و آمد داشتند صادر کرد اما این مساله موجب شد که وی در نهایت به دست همان تندروها ترور شود. مشرف نیز که در طول ۸ سال زمامداری خود بر پاکستان، چهار بار هدف سوء قصد قرار گرفته، به دلیل اقدام اخیرش در حمله به مسجد لعل باید خود را برای ترور از سوی تندروها و گرفتاری به سر نوشت گاندی آماده کند. مشرف تنها به دلیل هم پیمانی با آمریکا در آنچه که "جنگ علیه تروریسم" نامیده می‌شود، چهار بار هدف ترور نافرجام تندروها قرار گرفته که آخرین مورد آن، تیراندازی به بالگرد حامل وی بود. اما اکنون و به دلیل حمله به مسجد لعل و کشتن ده‌ها تندرو از جمله یکی از رهبران آنها، رییس جمهوری نظامی پاکستان که خود دوره‌های سخت جنگ در کوهستان و دیگر آموزش‌های نظامی را گذرانده است، باید منتظر روزهای سخت زندگی‌اش و ترورهای بیشتر از سوی تندروها باشد.

* اگرچه نیروهای امنیتی با حمله به مسجد لعل - که یکی از مدارس مهم تندروها به شمار می‌رود- موفق شدند بر افراد متحصن در این مسجد چیره شوند اما پایان بحران مسجد لعل به معنای پایان بحران تندروهای پاکستان نیست. حوادث مسجد لعل همچنین به تعداد کسانی که معتقد بودند مشرف، عروسکی در دست غرب است و طبق خواسته‌های غربی‌ها عمل می‌کند افزوده است. وی با دستور حمله به این مسجد قصد داشت نشان دهد که در جنگ با تروریسم، قاطع و راسخ است اما واقعیت این است که این اقدام او در غرب بیشتر به نشانه ضعف وی در قبال تروریست‌ها تفسیر شد.

* بحران‌هایی همچون مسجد لعل و استفاده از زور و نه سیاست برای حل آن، پاکستان را که یکی از قدرت‌های بزرگ هسته‌ای و عضو باشگاه هسته‌ای بین‌المللی است، در موضع ضعف قرار خواهد داد. به ویژه در برابر هند که از دیرباز به عنوان

رقیب قدرتمند و هسته‌ای این کشور مطرح بوده و بحران کشمیر میان اسلام‌آباد و دهلی نو هنوز لاینحل باقی مانده است.

* بنابر اظهارات تحلیل‌گران مسایل بین‌المللی، نباید انتظار داشت که حوادث مسجد لعل آخرین حلقه از بحران‌هایی باشد که تقابل عقیدتی و ایدئولوژیکی چاشنی آن بوده است. در سایه چنین ساختاری، بروز مداوم بحران‌هایی از این دست اجتناب‌ناپذیر است. یکی از نتایج حاصله از بحران اخیر، نزاع سیاسی در تصاحب قدرت است که گروه‌های دارای قدرت را به تحرک وامی‌دارد. در چنین شرایطی پیداست که گسل‌های قدرت آن هم در دو ساختار متفاوت به حرکت درآید که منجر به شرایط ناپایدار و از بین رفتن ثبات گردد. طبیعی است که با توجه به شرایط ناشی از تحرک گسل‌های اجتماعی پاکستان در به دست‌گیری قدرت، رهبری قدرت در معرض سقوط قرار گیرد. بحران اخیر پاکستان این خطر را برای مشرف ایجاد کرده است و او توانست در اقدامی پیشدستانه، خطرات و تهدیدات پیش رو را خنثی سازد. ولی مشرف باید بداند که زعامت او هیچگاه از دایره توجه افراط‌گرایان به دور نخواهد ماند و محتملا پایه‌های حکومت وی به وسیله حلقه‌های اسلامی متزلزل و به چالش کشیده خواهد شد. پس او به ناچار باید در انتظار خشونت‌های فرقه‌ای دیگر بماند.

ژنرال در هوای گرگ و میش

بنابر تحلیلی که روزنامه آمریکایی "واشنگتن پست" از حادثه مسجد لعل در ماه گذشته منتشر کرد، ژنرال مشرف به پایان دوران خود در پاکستان نزدیک

می‌شود. بنا بر آن تحلیل از تاریخ ۹ مارس که مشرف "افتخار محمد چودری" قاضی مستقل دیوان عالی این کشور را از سمت خود برکنار کرد، تظاهرات زیادی در این کشور با تقاضای کناره‌گیری او از قدرت صورت گرفته است. تظاهرات ۱۲ ماه مارس نیز به کشتاری مبدل شد که در جریان آن ۴۰ غیرنظامی که از گروه مخالفان بودند کشته شدند. هر چند که اکثریت مطبوعات پاکستان، طرفداران مشرف در "جنبش قومی متحده" را مسوول آن کشتار معرفی کردند، ولی آن اتفاق نشان داد که اقتدار ارتش پاکستان با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. در حال حاضر تابوی مخالفت با مشرف در پاکستان شکسته و دولت مشرف یکی پس از دیگری مرتکب اشتباه شده است. حالا دولت او در وضعیتی قرار دارد که طبیعت دیکتاتورگونه و همچنین نقاط ضعف آن به خوبی نمایان شده است. بعید به نظر می‌رسد که بحران "مسجد لعل" سبب بهبود چهره او در پاکستان و بیرون از این کشور شود. او چندین هفته قبل از تصمیم‌گیری به اقدام علیه اسلامگرایان تندرو آنها را تحمل کرد. هر چند که این بحران موقتا فرونشسته است، ولی رییس جمهور پاکستان باید به سه سوال اساسی در این خصوص پاسخ بدهد: اول این که، چگونه چنین بحرانی در مرکز پایتخت و درست در نیم مایلی مقر اصلی سرویس اطلاعات داخلی پاکستان (ISI) اتفاق افتاد؟ دوم این که، چرا این بحران درست بعد از بحران قضایی پاکستان پیش آمد؟ و چرا این قدر طول کشید تا رژیم پاکستان به این اتفاقات واکنش نشان بدهد؟ بنابر تحلیل واشنگتن پست پاسخ مشرف به این سوالات هر چه



باشد به نظر می‌رسد که او در بهترین حالت یک فرد بی‌لیاقت است و در بدترین حالت به علت تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی از مساله سیاسی. حال این کشور شریک جرم است. واشنگتن و بیشتر پایتخت‌های غربی نگران از دست دادن بهترین متحد خود در جنگ علیه ترور و گرایش‌های افراط‌گرایانه جامعه پاکستان هستند. ولی این بحران حقیقتاً ضعف افراط‌گرایان و توانایی مشکوک همکاری پاکستان در جنگ علیه تروریسم و طالبان را نشان می‌دهد. در همین حال، حقیقتی در حال ظهور از میان تعهدات پیچیده‌ای است که پاکستان در جنگ علیه تروریسم داده و آن این است که اسلام‌آباد بدون شک به دست تعدادی از جنگجویان طالبان و القاعده افتاده و ارتش که بر کل کشور مسلط است به مبارزه علیه آنها بی‌میل تر شده است.

رشد طالبان، تهدیدی برای امنیت پاکستان

با وجودی که پاکستان به عنوان یکی از کشورهای متحد آمریکا در مبارزه با تروریسم تمام تلاش خود را برای مبارزه با حضور نیروهای طالبان و القاعده در خاک خود به کار گرفته، ولی گزارش‌های جدید منتشره در رسانه‌های بین‌المللی غرب حاکی از آن است که گسترش طالبان در پاکستان می‌تواند این کشور را غرق در خشونت کند. در همین خصوص روزنامه آمریکایی "اینترنشنال هرالدرتریبون" با اشاره به این که در هفته‌های گذشته به ژنرال مشرف در خصوص گسترش سریع نیروهای نظامی طالبان در مناطق مرزی و قبیله‌ای پاکستان که دولت مرکزی کنترل زیادی بر روی آنها ندارد هشدار داده شده، می‌نویسد: بدون اقدام سریع و قاطع، گسترش نظامی‌گری می‌تواند بقیه پاکستان را نیز دربر بگیرد. بنابر این گزارش، این هشدار در قالب سندی توسط وزیر کشور پاکستان به مشرف ارایه شده و در آن به این موضوع اشاره شده که نیروهای امنیتی پاکستان در ایالت‌های مرزی شمال غرب این کشور از اقتدار و توان کافی برای مقابله با نیروهای طالبان و متحدان آنها در نواحی مرزی و قبیله‌ای برخوردار نیستند. وزیر کشور پاکستان در این سند ۱۵ صفحه‌ای نوشته است: گسترش مداوم و فعال طالبان انعکاس‌های جدی و خطرناکی برای پاکستان به وجود آورده است؛ این در حالی است که یک سیاست کلی مصالحه



نسبت به طالبان وجود دارد که هر چه بیشتر آنها را جسورتر کرده است.

براساس اظهارات یک دیپلمات غربی که نامش فاش نشده است، این سند در تاریخ ۴ ژوئن در شورای امنیت ملی پاکستان و با حضور پرویز مشرف مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اولین باری است که چنین سندی از درون دولت پاکستان سر به بیرون آورده که رسماً خطرات گسترش تهدیدات جنگجویان القاعده و طالبان را به رسمیت شناخته است. یک مقام پاکستانی نیز که اختیار اظهار نظر رسمی در خصوص این سند را نداشته با اشاره به اینکه این سند توصیفی درست از خنجری است که قلب کشور را هدف گرفته است، می‌گوید: تاسف‌انگیز است که چنین خطری خیلی دیر به رسمیت شناخته شده است. به رسمیت شناختن خطر افراط‌گرایان توسط مقامات رسمی پاکستان بعد از آن صورت می‌گیرد که ایالات متحده آمریکا فشارهای سنگینی به پاکستان برای جلوگیری از خروج باغیان از نواحی مرزی و قبیله‌ای وارد کرده است. بنابر این گزارش هدف اولیه حمایت مالی قابل توجه آمریکا از پاکستان تلاش برای جلوگیری از تبدیل شدن نواحی مرزی و قبیله‌ای این کشور به "بهشت امن" برای نیروهای القاعده و طالبان بوده است تا آنها نتوانند از آن‌جا، جنگ در افغانستان را هدایت کنند. ولی حالا وزارت کشور پاکستان به مشرف می‌گوید که نفوذ افراط‌گرایان به سرعت در حال پیشروی به سوی شرق و مرکز پاکستان است و حتی مناطقی مانند پیشاور و سایر نقاط را که گمان می‌رفت توسط نیروهای امنیتی پاکستان امن شده‌اند در معرض خطر قرار گرفته‌اند. هرالدرتریبون در انتهای گزارش خود با اشاره به این که در سند ۱۵ صفحه‌ای وزارت کشور به این مساله اشاره شده که

طالبان به تازگی و در مسیر حرکت خود به سوی منطقه خیبر در نزدیک مرز شروع به حمله به تانکرهای سوختی می‌کند که سوخت مورد نیاز سربازان آمریکا و ناتو در افغانستان را حمل می‌کنند، می‌نویسد: این سند شرح می‌دهد که ایالت پیشاور که مقر اصلی ارتش است و پلیس پاکستان در آن جا قرار دارد، از بیشترین حملات تروریستی رنج می‌برد. حتی بسیاری از مدارس در این ایالت به علت دریافت نامه‌های تهدیدآمیز تعطیل شده‌اند و این در حالی است که دفاتر دولتی، دیپلمات‌ها و سازمان‌های غیردولتی نیز نامه‌های تهدیدآمیز دریافت کرده و می‌کنند. در نهایت این که هر عملیات نظامی یا اقدامی علیه آنها با واکنش افراط‌گرایان در قالب حملات انتحاری یا حملات تروریستی تلافی می‌شود.

نتیجه:

غرب و در راس آن آمریکا بدان منظور مشرف را در چتر حمایت خود قرار داده‌اند که او بخواهد در استراتژی آنان سهم خاصی را با توجه به حیات سیاسی طالبان در پاکستان، ایفا کند. به باور کارشناسان مسایل بین‌المللی، بخشی از بروز بحران اخیر به تعلق مشرف در مبارزه با تروریسم و خطر بنیادگرایی اسلامی بازمی‌گردد. حال که تعلق او موجب نگرانی غرب شده، عواقب حاصله آن است که غرب نوعی بازنگری را در برخورد با مشرف داشته باشد و در صدد سیاست‌های تشبیهی بر آید، به این معنا که به حیات و زعامت نظامی‌گری در راس هرم پاکستان، پایان دهد. هم‌اینک قراین موجود نشان می‌دهد که مشرف از زمان بحران قضایی پاکستان تا پایان بحران مسجد لعل، حاشیه امن خود را در حیات سیاسی پاکستان از دست داده و مسلم است که چنین وضعیتی تشدید یابد و روزهای پایانی حکومت او را در کابوس‌های پر خوف و خطر غوطه دهد. چنین شرایطی، همانند تیشه‌ای است که او با دستان خویش بر ریشه خویش وارد کرده است. نکته آن است که آیا تجدیدنظر او در روش زمامداری‌اش موجب خواهد شد که غرب همانند روی کار آوردنش، بار دیگر بخواهد او را بر مسند قدرت پاکستان ابقا کند؟ یا آن که بخواهد با مماشات و همراهی با جریان‌های اسلامی و در آوردن یونیفورم نظامی به زمامداری ادامه دهد؟ پیداست که شرایط حاصله، او را در دوراهی قرار داده است و او چاره‌ای جز صبر و انتظار ندارد.